

## سنجان، سکونت‌گاه اولیه مهاجران زرتشتی در هند

فاطمه کریمی<sup>۱\*</sup>، سید رسول موسوی حاجی<sup>۲</sup>

### چکیده

پس از سرنگونی دودمان ساسانیان و گسترش اسلام در ایران، بسیاری از پیروان ادیان دیگر همچنان بر عقاید خویش پایبند ماندند. یک گروه از آن‌ها، زرتشتیانی بودند که به دلیل تشدید محدودیت‌ها به کشورهای دیگر از جمله هند مهاجرت کردند. بر اساس منابع موجود، ایشان ابتدا به جزیره هرمز رفته و بعد از فشار سیاسی اعراب و تصرف هرمز، به جزیره دیو و در نهایت، به کشور هند مهاجرت نمودند. با توجه به این‌که تاکنون پژوهشی درباره این مهاجرت صورت نگرفته است، این پژوهش سعی دارد به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهد: مهاجرت اولیه در چه زمانی بوده و آیا متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی حضور ایشان را در هند و در این تاریخ تأیید می‌کند؟ شهر سنجان در تاریخ جامعه زرتشتیان چه جایگاه سیاسی و مذهبی داشته است؟ بررسی منابع تاریخی، مهاجرت اولیه ایشان را اوایل سده دوم هجری می‌داند. داده‌های باستان‌شناسی حاصل از کاوش‌های شهر سنجان نیز، حضور ایشان را در همین تاریخ تأیید می‌کند. همچنین این منابع نشان می‌دهد، شهر سنجان احتمالاً اولین استقرارگاه زرتشتیان در هند، در طی مهاجرت اولیه بوده است و از جایگاه مذهبی بسیار مهمی به دلیل وجود آتش وهرام و حضور موبدان و بزرگان زرتشتی، برخوردار بوده است و حتی بعد از انتقال آتش به نوساری، موبدان سنجان وظیفه پرستاری از آتش را به‌عهده داشته‌اند. بنابراین سنجان نقش مهمی در سرنوشت سیاسی و مذهبی زرتشتیان داشته است. به‌گونه‌ای که از بدو ورود مهاجران تا زمان حمله مسلمانان به هند به‌عنوان مرکز دینی زرتشتیان به حیات خود ادامه داده است.

**واژه‌های کلیدی:** سنجان، پارسیان، زرتشتیان، سکونتگاه زرتشتیان، هندوستان.

**ارجاع:** کریمی ف و موسوی حاجی ر. ۱۳۹۹. سنجان، سکونت‌گاه اولیه مهاجران زرتشتی در هند. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۵ (۱): ۱۱۵-۱۲۰.

۱- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران. یزد.

\* نویسنده مسئول: [Fatima.karimy69@gmail.com](mailto:Fatima.karimy69@gmail.com)

۲- عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

## مقدمه

بعد از ورود اسلام به ایران، پیروان دیگر ادیان که حاضر به قبول اسلام نشدند به کشورهای دیگر مهاجرت کردند یا مجبور به پرداخت جزیه شدند. عده‌ای از زرتشتیان بر دین خود در ایران باقی ماندند و دست به مهاجرت نزدند و براساس آیه ۱۶ سوره الحج (سوره ۲۲) اهل کتاب به حساب آمدند و توانستند با پرداخت جزیه دین خود را حفظ کنند. از پژوهش‌های موجود چنین برمی‌آید که پس از برجیده شدن پادشاهی ساسانی و گسترش اسلام در ایران، زرتشتیان به سه دسته تقسیم شدند: ۱) عده‌ای اسلام آوردند، ۲) دسته دیگر به کیش اجدادی خود باقی مانده و با پرداخت جزیه در ایران زندگی کردند. زرتشتیان امروز ایران، بازماندگان همین دسته‌اند. ۳) دسته سوم آن‌هایی بودند که از ایران کوچ کرده و بیشترشان به شبه‌قاره هند و پاکستان رفتند (ارشاد، ۱۳۶۵: ۱۸۷-۱۸۴). زرتشتیان در اکثر نواحی ایران مانند ری، دیلم، پارس، خراسان، سغد، خوارزم، خوزستان، نیشابور، کرمان و یزد به کیش خود پایدار ماندند و به حیات خود ادامه دادند. در واقع پایداری در آیین زرتشت نه تنها در منابع تأیید شده بلکه آداب و رسوم کهن تا دوران‌های اسلامی گواه این نظر است (فرای، ۱۳۶۳: ۱۳۵). عده‌ای نیز دست به مهاجرت زدند. هم‌زمان با حکومت سامانیان در ایران، که دست‌نشانده‌ی تقریباً مستقل خلفا بودند، گروهی از زرتشتیان، از شهر کوچک سنجان در جنوب غربی خراسان، ناامید از صلح و عدالت، راهی بندر هرمز در خلیج فارس شدند و از آن‌جا به جزیره دیو (Div) و سپس به گجرات هند عزیمت کردند (بویس، ۱۳۸۱: ۱۸۹-۱۸۵). این عده را «پارسیان هند» می‌خوانند. در زمینه این مهاجرت ژان باتیست تاواریه (۱۶۰۶-۱۶۸۹ م) که در دور صفویه به ایران سفر کرده می‌نویسد: از وقتی ایرانی‌ها شروع به دنبال کردن گبرها کردند، عده کثیری از آن‌ها به شهر سورت (سورات) و سایر بلاد گجرات مهاجرت کردند (تاواریه، ۱۳۳۶: ۴۱۸). بر اساس منابع باقی‌مانده اولین استقرار که ایشان در هند ایجاد کردند را به یاد زادگاه خود در ایران «سنجان» نامیدند. پرسش این پژوهش آن است که شهر سنجان چگونه شکل گرفته است؟ جایگاه سیاسی و مذهبی این شهر در بدو ورود مهاجران و در سال‌های بعد از آن در تاریخ جامعه زرتشتیان چه بوده است؟ تاکنون پژوهشی

درباره استقرارگاه‌های زرتشتیان به‌ویژه شهر کوچک سنجان و دیگر مکان‌های استقرار و پراکندگی آن‌ها در هند صورت نگرفته است. هدف از این پژوهش آن است که ابتدا موقعیت شهری به نام سنجان (سنگان) در ایران را مشخص کرده و سپس به بررسی چگونگی شکل‌گیری شهر سنجان در هند و جایگاه این شهر در جامعه زرتشتی و تأثیر آن در سرنوشت سیاسی و مذهبی ایشان بپردازد. این پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است. ابتدا با استفاده از متون جغرافیایی و تاریخی به بررسی موقعیت شهر سنجان (معرب سنگان یا سنکان) به‌عنوان زادگاه برخی از مهاجرین اولیه در هند پرداخته و سپس بر اساس «قصه سنجان» به‌عنوان قدیمی‌ترین منبعی که از سنجان هند سخن می‌گوید و با استفاده از پژوهش‌های معاصر از جمله مطالعات تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده در سنجان، به بررسی نحوه استقرار ایشان در هند، چگونگی شکل‌گیری شهر سنجان و تأثیر این شهر در سرنوشت سیاسی و مذهبی ایشان می‌پردازد.

## پیشینه تحقیق

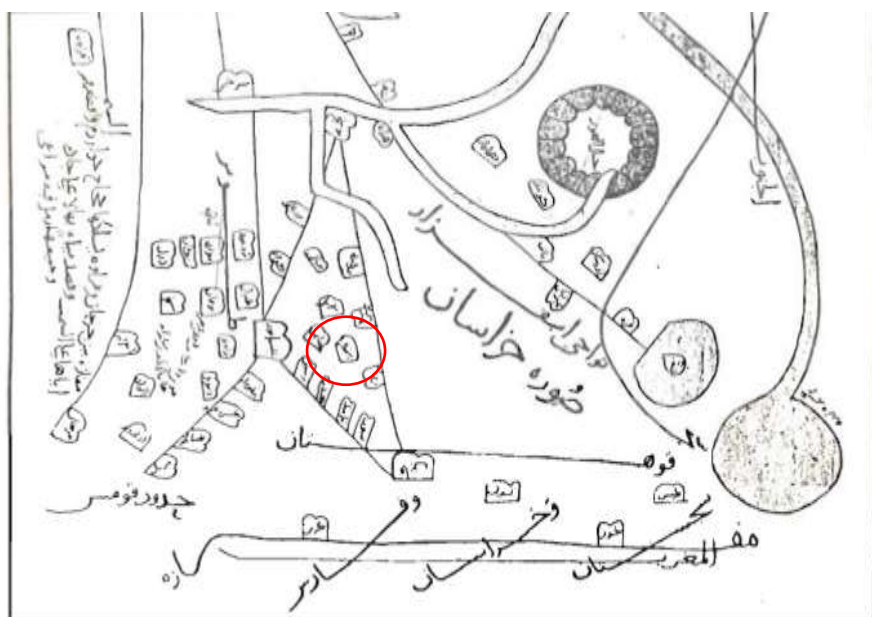
در متون و روایت‌های تاریخی و مذهبی زرتشتیان نام سنجان به‌عنوان اولین استقرارگاه مهاجران پارسی ذکر شده است. قدیمی‌ترین این منابع منظومه‌ای به نام «قصه سنجان» است که در قرن ۹۶۸ یزدگردی (۵۱۰۰۸) به دست بهمن کیقباد سنجانا در ۴۳۲ بیت سروده شده است. این قصه شرح مهاجرت عده‌ای از زرتشتیان از ایران به کشور هندوستان است و در سال ۱۳۵۰ با کوشش هاشم رضی در ایران به چاپ رسیده است. جدیدترین تألیف در باب قصه سنجان کتاب آلن ویلیامز تحت عنوان «افسانه مهاجرت زرتشتیان ایرانی و استقرار و پراکندگی در هند» است که نویسنده در این کتاب به بحث در مورد ساختار روایی متن و ابعاد مذهبی و اسناد و کتاب‌های زرتشتیان می‌پردازد. مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی و تحلیل مضامین دینی زرتشتیان در قصه سنجان» به قلم ابراهیم رایگانی و محمد امین سعادت‌مهر از سوی فصلنامه شبه قاره در حال انتشار است. همان‌طور که از عنوان مقاله بر می‌آید، تمرکز این مقاله بر روی قصه‌ی سنجان است. درباره‌ی شهر سنجان در هندوستان پژوهش مستقلی تا کنون صورت نگرفته است.

## سنگان در ایران

شهر سنگان یکی از بخش‌های شهرستان خواف است که در فاصله ۲۴ کیلومتری از مرکز شهرستان و ۶۵ کیلومتری مرز افغانستان واقع شده است. حدود آن از شمال به شهرستان تایباد، از جنوب به شهرستان قاین و بخش جلگه‌ی زوزن، از مشرق به کشور افغانستان و از غرب به شهرستان خواف منتهی می‌شود. سنجان نیز مانند تمامی شهرهای دیگر ایران در طول تاریخ دستخوش حوادث متعددی گردیده است. بعد از ورود اعراب و در سال ۱۸ هجری قمری احف بن قیس از طرف خلیفه دوم، عمر، به فرماندهی سپاه اسلام مأمور فتح خراسان بزرگ و شهرهای این دیار می‌شود (ابن اثیر، ۱۳۷۰: ۱۵۳۹). در زمان حمله اعراب و فتح خراسان خواف بخشی از نیشابور بوده است.

چنان‌که بلاذری (وفات ۲۷۸ه) در فتوح‌البلدان در ذکر فتح خراسان، خواف را بخشی از نیشابور ذکر کرده و می‌نویسد: ابن عامر، بشت [بست] از توابع نیشابور و اشبند و رخ و زاوه و خواف و اسبرائن و ارغیان نیشابور را بگشود (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۶۲). باتوجه به آن‌که سنگان جزئی از ایالت خواف بوده این شهر نیز احتمالاً به تصرف ابن عامر درآمده است.

یکی از قدیمی‌ترین منابعی که از سنجان سخن رانده و آن را روی نقشه نمایش داده «ایران در صورہ الارض» ابن حوقل است که در توضیح قهستان می‌نویسد: ... و در بالای این دو راه [راه قاین به نیشابور و سپس راه نیشابور به بوسنج]، نواحی سنجان، خایمند، سلومک و مالن قرار دارند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۲) (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت سنگان در کتاب صورہ الارض ابن حوقل (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۲)

## مهاجرت زرتشتیان به هند

ایرانیان از دوره هخامنشی با هند روابط تجاری داشته‌اند. یکی از راه‌های دریایی که در دوره‌ی ساسانیان از بندر سیراف به سواحل غربی هند، از گجرات تا گنکن و نیز با مالابار در سواحل شرقی و دیگری راه خشکی که تا دوره اسلامی از راه افغانستان امروزی به شمال هند بوده است (نصرالله‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

با ورود اسلام دسته‌ای از زرتشتیان از ایران کوچ کرده و به شبه قاره هند رفتند. به‌لحاظ جغرافیایی نیز در این زمان

در زمان حمله اعراب مردم سنجان نیز مانند بسیاری از ایرانیان به کیش زرتشت بوده‌اند. در سال ۲۹ هجری زمانی که عبدالله بن عامر مأمور فتح خراسان و شهرهای آن دیار می‌شود، در طول مسیر حرکت به سمت هرات به نبرد با زرتشتیان منطقه سنگان می‌پردازد و اسلام را در این سرزمین گسترش می‌دهند. بویس در این‌باره می‌نویسد: سنگان یکی از مکان‌های اصلی زندگی پارسیانی است که بعدها به هندوستان مهاجرت کرده و در گجرات هند ساکن شدند (بویس، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۸۹).

مشخص نیست، همچنین این داستان در سال ۱۶۰۰ میلادی بر اساس یک سنت شفاهی نوشته شده که با توجه به نحوه تهیه و انتقال آن باید با احتیاط به‌عنوان منبع استفاده شود. برخی از خاورشناسان عقیده دارند که این مهاجرت چندین بار و به‌شکل گروهی انجام شده است، اما مهاجرت نخستین آن‌ها به‌عقیده جکسن در سال ۷۱۶ میلادی؛ یعنی شست و پنج سال پس از مرگ یزدگرد سوم انجام شده است (جکسن، ۱۳۵۲). بویس این مهاجرت را در دوره سامانیان می‌داند (بویس، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۸۹). هم‌چنین همان‌طور که در بخش بعد مطرح خواهد شد، داده‌های باستان‌شناسی حضور ایشان در هند را از اوایل تا اواسط سده هشتم میلادی نشان می‌دهد. پس به‌طور کلی می‌توان گفت که احتمالاً مهاجرت اولیه ایشان در اوایل سده‌ی دوم هجری بوده است.

از مطالعه منابع تاریخی چنین استنباط می‌شود که به‌دنبال فشارهای خلفای بنی امیه، مقاومت‌هایی از سوی ایرانیان علیه آن‌ها صورت گرفت. قیام ابومسلم خراسانی نمود بارزی از این وضعیت بود. سرکردگی بخش عمده‌ای از این سربازان بر عهده سنباد، سردار زرتشتی مذهب ابومسلم بود. سربازان خلیفه عباسی در سال ۱۳۷ ه. ق (۷۵۴ میلادی) این قیام را سرکوب کرده و سنباد را به قتل رسانیدند. به‌نظر می‌رسد که لشکریان خلیفه همچنان پیش راندند تا تمامی خراسان را زیر سلطه خود آورده و آهنگ‌های مخالف را خاموش کردند. در اوج این جریان مهاجرت زرتشتیان از کهستان (کهستان) در جنوب خراسان به هرمز صورت گرفت (ارشاد، ۱۳۶۵: ۱۹۲).

«قصه سنجان» داستان خروج زرتشتیان از ناحیه‌ای به‌نام کهستان در ایران و رهسپار شدن آن‌ها به‌سوی هند را به‌نظم کشیده است. متن قصه نقش مهمی در شکل‌گیری هویت پارسی شهروندان هندی که اصالتاً اهل ایران بوده‌اند، ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که امروزه بخشی اساسی از حافظه جمعی پارسیان را شکل می‌دهد. با این حال، تا کنون این متن مهم فقط با ترجمه‌های گجراتی و انگلیسی به‌راحتی در دسترس بوده است، در حالی که اصل فارسی کمتر شناخته شده است (Williams:2009). طبق داستان این گروه زرتشتی نخست به بندر هرمز می‌روند و سپس به جزیره دیو و سرانجام هم به هند می‌رسند. پارسیان حدود پانزده سال در هرمز می‌مانند و سپس ناگزیر به‌قصد

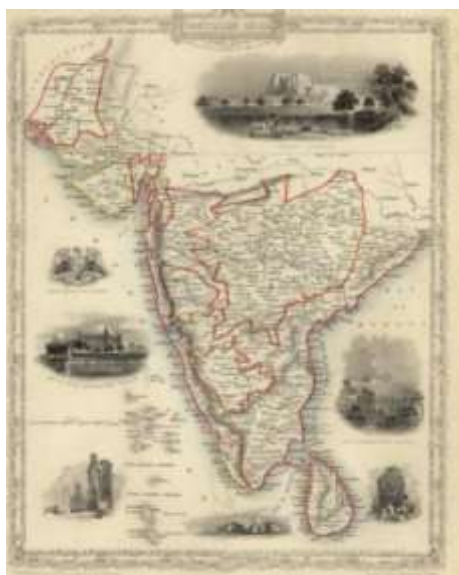
تهاجم به ایران از جهت غرب و جنوب صورت گرفته بود و طبیعی بود که مهاجران جهت خلاف این تهاجم؛ یعنی چین و هند را برگزینند (صبوری‌فر، ۱۳۹۵: ۳۸). این گروه از زرتشتیان از طبقه بالای جامعه ایرانی؛ یعنی از بزرگ‌زادگان پارتی و شاهزادگان ساسانی بودند که در خراسان بزرگ زندگی می‌کردند. از منابع چنین استنباط می‌شود که مهاجران زرتشتی در بادی امر به ولایت «کهستان» رفتند و پس از یک قرن به هرمز کوچ کرده و پانزده سال در هرمز ماندند و بالاخره روانه هندوستان شدند. در مورد کهستان که فارسی آن کهستان، کوهستان است یادآوری می‌شود که در ایران مکان‌هایی چند به این نام معروف است. در لغت‌نامه دهخدا، سه منطقه به‌نام «کهستان» شناخته شده، یکی در منطقه قم، دیگری در جنوب خراسان و سومی در نزدیکی سیرجان است. بعضی پژوهشگران توجه اندکی در این زمینه کرده و گاهی می‌گویند زرتشتیان از کهستان در شرق ایران یا از شمال ایران راهی جنوب یعنی هرمز شدند (ارشاد، ۱۳۶۵: ۱۸۴-۱۸۷). همچنین مکان‌های دیگری با نام سنجان یا سنگان در ایران وجود دارد<sup>۱</sup>. کهستان منطقه نسبتاً وسیعی بین خراسان و کرمان بوده و بر سر راه تجارتهای هند به ایران قرار داشته است.

کوچ عمده زرتشتیان به هند، پس از انقراض دودمان ساسانی و گسترش اسلام در ایران صورت گرفت. درباره تاریخ مهاجرت پارسیان به هند بحث‌های زیادی شده است. هودیوالا تاریخ ۷۱۶ میلادی را برای این مهاجرت مطرح می‌کند (Hodivala, 1927:1). قدیمی‌ترین منبعی که درباره تاریخ این مهاجرت وجود دارد، «قصه‌ی سنجان»<sup>۲</sup> است که در ۹۶۸ یزدگردی به‌دست بهمن کیقباد سنجانا در ۴۳۲ بیت سروده شده است. قصه، تاریخ دقیقی را ارائه نمی‌کند و تنها اشاره به این موضوع، معطوف به دو بیت است: مقام و جای و باغ و کاخ و ایوان/ همه بگذاشتند از بهر دین‌شان/ به کوهستان همی ماندند صد سال/ چو ایشان را بدین‌گونه شده حال (کیقباد، ۱۳۵۰: ۳۰). این ابیات در روایت داراب هرمزیار (تألیف قرن ۱۱ هجری) نیز ذکر شده و اولین مهاجرت این گروه را صد سال بعد از هجوم تازیان به ایران بیان می‌کند (روایت داراب هرمزدیار، ج ۲، ۳۴۵). باید توجه داشت، که این تاریخ‌ها، تاریخ‌رویدادهایی است، که صحت رخداد آن‌ها

بازرگانی داشتند. محدودیت‌های سیاسی، دامنه فعالیت‌های تجارتهای آن‌ها را به همان منطقه جنوب ایران و هرمز محدود کرده بود، از سوی دیگر بغداد هم که در همین سال‌ها ساخته شد، به‌صورت منطقه عمده داد و ستد تجارت بین‌المللی آن زمان درآمد و بازار هرمز را تحت تأثیر قرار داد و آن را به کساد کشاند. به این دلیل نیز امکان زندگی برای زرتشتیان در آن‌جا تنگ شده بود (ارشاد، ۱۳۶۵: ۱۹۳).

#### شکل‌گیری شهر سنجان در هند

پارسیان بعد از مهاجرت خود در سواحل غربی هند به‌ویژه در گجرات سکنی گزیدند. شهر کوچک سنجان اولین مکانی بود که ایشان در آن‌جا مستقر شدند (شکل ۲).



هند، سرزمین مادری خود را برای همیشه ترک می‌کنند (کیقباد، ۱۳۵۰: ۳۰ تا ۳۱).

آن‌ها در هرمز نیز در معرض تهدید و ظلم قرار داشتند. در آخر، یک دستور دانا که ستاره‌شناس نیز بود، ستارگان را خواند و گفت: زمانی که سرنوشت ما را در این مکان قرار داده بود، اکنون به پایان رسیده، ما باید یک‌بار به هند برویم. آن‌ها در جزیره دیو در غرب هند، نوزده سال اقامت گزیدند و باز موبد اخترشناس، به آن‌ها گفت: «سرنوشت ما در جای دیگر نهفته است، ما باید دیو را ترک کنیم و به-دنبال پناهگاه دیگری باشیم. بنابراین آن‌ها وارد هند شدند» (کیقباد، ۱۳۵۰: ۳۰-۳۱).

این نکته را باید اضافه کرد که علت واقعی کوچ پارسیان به هند، تنها اجبار سیاسی نبود. ظاهراً چنین می‌نماید، پارسیانی که در هرمز ماندگار شده بودند بیشتر شغل



شکل ۲. هر سنجان بر روی نقشه‌ای از سال ۱۸۵۱ که با نام sudjun آمده است، غرب هندوستان (Tallis, J & F, 1851).

ساخته شده و دارای پایه‌های سنگی محکمی بودند. تعداد زیادی سفال غرب آسیا و چین، یافته‌های متعدد سکه-شناسی، تعداد زیادی ظروف شیشه‌ای و مهره‌های غرب آسیا نقش بارز این شهر را در فعالیت‌های تجاری ساحل اقیانوس هند نشان می‌دهد. سفال‌های غرب آسیا که برای اولین بار شناسایی شده‌اند، شامل ظروف لعاب‌دار فیروزه‌ای ساسانی-اسلامی، ظروف اسگرافیاتو، ظروف شیشه‌ای کاشان، ظروف با لعاب قلع و سایر محصولات مرتبط مانند سلادن است. این سایت اولین اثبات قطعی اشغال پارسی (زرتشتی) در سنجان را به‌صورت دخمه یا برج خاموش

داده‌های باستان‌شناسی حضور زرتشتیان در سنجان هندوستان را در سده‌های اولیه دوره اسلامی به اثبات می‌رساند. کاوش‌های باستان‌شناسی در شمال و شرق بندر سنجان از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴، از سوی بنیاد فرهنگی زرتشتیان جهان؛ یعنی (WZCF) (بمبئی) و انجمن باستان‌شناسی هند؛ یعنی (IAS) در سه فصل انجام شد. در طی سه سال کاوش (۲۰۰۲، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴) یک شهر بزرگ (تقریباً ۲ کیلومتر در ۱ کیلومتر) در حاشیه نهر / رودخانه Varoli که از قرن هشتم تا سیزدهم میلادی اشغال شده بود، آشکار شد. این خانه‌ها از آجر سوخته

سرایش «قصه سنجان» وجود ندارد. اثر دیگری که چه بسا الگوی این گونه‌ی ادبی باشد، متن منظوم کوتاهی است به نام قصه کاووس و آفساد که تقریباً در ۴۴۰ بیت فارسی سروده شده است. خود متن تاریخی ندارد اما نویسنده‌اش کاووس بن فریبرز یزدی از ارداویرافنامه کاووسی هم شناخته شده است که بر این اساس، او در میانه سده شانزدهم میلادی می‌زیسته است. این متن داستان دو زرتشتی ایرانی را بازگو می‌کند که در راه سفری تجاری به هند، کشتی‌شان می‌شکند و در جزیره دیو می‌مانند. بعدها طی راه در شهرهای کهمبَهت<sup>۵</sup>، به‌رُوج<sup>۶</sup>، آنکلیشور<sup>۷</sup> و سورت<sup>۸</sup> توقف می‌کنند و سرانجام به نوساری می‌رسند (شفیلد و آندرس تولدو، ۱۳۹۸: ۳۵ و ۳۶).

علاوه بر این دو متن، برخی شواهد دیگر نیز به وجود استقرار اولیه پارسیان اشاره می‌کند. از جمله نسخه‌های خطی قدیمی و برخی بناهای اولیه که به‌جا مانده است. از جمله کتیبه غار کنه‌ری در کامبای که در بردارنده کتیبه‌های خصوصی و یادبودی به خط و زبان پهلوی ساسانی در هند است. در غارهای بودایی کنه‌ری در سالیست نزدیک بمبئی، ۶ کتیبه به خط متصل پهلوی وجود دارد که مربوط به قرن ۱۱ میلادی (۱۰۰۹ تا ۱۰۲۱) است. این کتیبه‌ها را چند گروه از تاجران زرتشتی در سفر به هند نوشته‌اند که از این غارها دیدن کرده‌اند و گواه قدیمی‌ترین حضور زرتشتیان تاجر در هند است. کتیبه‌ی نخست تاریخ سال ۳۷۸ یزدگردی (۱۰۰۹ م.) و کتیبه‌ی دوم تاریخ ۳۷۸ یزدگردی، ۴۵ روز پس از کتیبه‌ی نخست، دارد و نام‌های ذکر شده در هر دو کتیبه مشابه هستند. کتیبه‌ی سوم با نام‌های متفاوت و به تاریخ ۳۹۰ یزدگردی (۱۰۲۱ م.) و کتیبه‌ی چهارم به سال ۳۹۰ یزدگردی و نام یک بازدیدکننده از غار است. کتیبه‌ی پنجم ناخواناست و کتیبه‌ی ششم نام خاص آب‌ان‌گشنسب پسر فرخ را دارد. در کتیبه‌ی سوم آمده است که به‌دینان از ایران آمده‌اند (نصراله‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۷) (شکل ۳).



شکل ۲\_ یکی از کتیبه‌های غار کنه‌ری (نصراله‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۷)

(یک سازه منحصر به فرد زرتشتی) ارائه داده است. این دخمه اولین دخمه نوساری بود که در زبان گجراتی به آن *sāsu-vahu*<sup>۳</sup> می‌گویند (Kotwal, 2017: 66). تیم باستان-شناسی تاریخ حضور زرتشتیان در سنجان را از اوایل تا اواسط قرن هشتم میلادی تاریخ‌گذاری کردند و استدلال می‌کنند که این قبیل مهاجران در مکانی مستقر شده‌اند که قبلاً در دوره ساسانیان پایگاه مرزی تجارت ایرانیان بوده است (Hinnells and Williams, 2007: 197).

آن‌ها عمدتاً متشکل از گروه‌های تجاری بودند که «انگیزه-ی افزایش تجارت در قرن هشتم و اوایل قرن نهم را داشتند». این احتمال وجود دارد که بسیاری از مهاجرت‌های بعدی نیز صورت گرفته باشد. کاوش‌های دخمه به-وضوح نشان می‌دهد که از تاریخ اولیه تعداد زیادی زرتشتی وجود داشته است. سفال‌های موجود در ملات مواد ساختمانی نشان می‌دهد که دخمه بین قرن دهم و دوازدهم ساخته شده است، در حالی که نمونه‌های استخوانی نشان می‌دهد، آخرین بار دخمه در سال ۱۴۱۰ تا ۱۴۵۰ م استفاده شده است. این امر آن را به اولین دخمه در خاک هند تبدیل می‌کند (همان).

گزارشی که در مورد مجموعه سفال‌های سنجان وجود دارد، اولین گزارش از مجموعه گزارش‌ها مربوط به کاوش‌های این شهر است که بین سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۴ انجام شده است. کاوش‌های سنجان نه تنها موفق شده‌اند که چشم‌انداز تازه‌ای را به تاریخ پارسیان/ زرتشتیان ارائه دهند، بلکه شواهدی را برای یک بندرگاه تجاری فعال، چندفرهنگی و برجسته فراهم می‌کنند که یکی از مؤلفه‌های مهم شبکه تجاری اقیانوس هند در اوایل قرون وسطی را تشکیل داده است (nanji, 2011)<sup>۴</sup>.

حضور زرتشتیان در غرب هند از کتیبه‌هایی به قدمت سده دهم میلادی (چرتی، ۱۳۸۱) نیز شناخته شده است. با این همه هیچ روایتی از مهاجرت زرتشتیان به هند، تا پیش از سده شانزدهم میلادی (سده دهم هجری)؛ یعنی تا زمان

چون رنگانیر، بروچ، وریاد، اکلیر، کهمبایت (کامبی) و نوساری پراکنده شدند (کیقباد، ۱۳۵۰: ۳۶).

مهاجرین در گجرات شروع به زراعت کردند و کارشان رونق یافت. به تدریج گروه‌هایی از آنان به سایر دهات و شهرهای گجرات عزیمت کرده و به کشاورزی، بافندگی و دستفروشی اشتغال ورزیدند. در هر محل که تعدادی از افراد عادی سکونت دائم پیدا می‌کردند، به تقاضای آنان مؤبدی به جمع‌شان می‌پیوست (بار، آسموسن، بویس، ۱۳۴۸: ۱۳۸-۱۴۰). با توجه به آن‌که با رشد جمعیت پارسیان، رقابت و اختلاف روحانیان هر ناحیه با یکدیگر نیز طبیعی می‌نمود، از همان آغاز، هر گروه از ایشان به تقسیم مسئولیت میان خود برآمدند (تشکری، ۲۰۲۱: ۹۸/۱).

متن قصه سنجان به سرعت دوره‌ای بیش از پانصد سال سکونت زرتشتیان تحت سلطه حکومت هندی را تا حمله فرمانروایی مسلمان به نام سلطان محمود که در شهر چمپانر، پایتخت تاریخی امیرنشین گجرات حکومت می‌کرد، بیان می‌کند. طبق داستان محمود شاه وزیر خود «الف خان» را با لشکر به سوی سنجان می‌فرستد. راجه هند از موبدان و هیربدان کمک می‌خواهد و آن‌ها نیز می‌پذیرند. سرانجام این جنگ به شکست سنجان انجامید و به‌دینان به کوه بهاروت در جنوب سنجان گریختند و دوازده سال در آن جا ماندند، سپس به بانسده آمده و آتش بهرام را به آن جا منتقل کردند. سنجان تا زمان حمله مسلمانان به آن جا به‌عنوان مرکز دینی ایشان به حیات خود ادامه می‌داد. قصه می‌گوید زرتشتیان برای خدمت آتش از سنجان به بانسده می‌آمدند (کیقباد، ۱۳۵۰: ۴۳).

در این دوره تقریبی دو حمله در سال‌های ۱۴۶۵ و ۱۵۷۲ یا دو فتح بزرگ از سوی مسلمان در گجرات رخ داده است و مشخص نیست که کدام یک از دو تاریخ به این داستان مرتبط است (Hodivala, 1927: 6-8). با آن‌که تواریخ هند، قشون‌کشی‌های متعددی از سوی فاتحان و سلاطین دهلی به گجرات را ثبت کرده‌اند، اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به فتح سنجان ندارند و از حیث زمانی و یا در مقام وزارت شاه محمود، وجود فردی به نام الف خان قابل تأیید نیست. گجرات دوبار از سوی مسلمانان به تصرف درآمد. اولین بار از سوی علاءالدین خلجی که یکی از سرداران خود به‌نام الماس بیک الغ خان را در ۶۹۷ ق به فتح گجرات فرستاد. دومین بار به تأسیس سلسله سلاطین گجراتی باز می‌گردد

این کتیبه‌ها همراه با سال و ماه و روز نوشته شده‌اند. نخستین بار آنکتیل دوپرون در سال ۱۷۶۰م درباره کتیبه‌های این غار گزارش داد. او به‌رغم آن‌که با خط پهلوی آشنا بود، این کتیبه‌ها را، مغولی دانست. از دیگر شواهد حضور پارسیان در هند می‌توان به استقرارهایی در نوساری که دارای تاریخ ۱۱۴۲م است و کپی از کتاب وندیداد در شهر آنکلشوار با تاریخ ۱۲۵۸میلادی اشاره کرد.

بر اساس قصه سنجان، بعد از رسیدن زرتشتیان به خاک هند، آن‌ها به‌دنبال اجازه برای سکونت از حاکم محلی، جادی رانا بودند. وی پیش از توافق برای اعطای پناهگاه به آن‌ها، از دین آن‌ها پرسید و چهار شرط را وضع کرد: آن‌ها فقط باید از زبان محلی استفاده کنند، زنان باید لباس محلی را بپذیرند، باید اسلحه خود را کنار بگذارند و سوگند یاد کنند که هرگز از آن‌ها استفاده نکنند و در آخر، مراسم ازدواج آن‌ها فقط باید عصر برگزار شود. دستور آن‌ها موافقت کرد و بر ویژگی‌های مشترکی که دین‌شان با هندوئیسم دارد، مانند تکریم خورشید و ماه، آتش و آب و گاو تأکید کرد (کیقباد، ۱۳۵۰: ۳۰).

این‌طور که از قصه سنجان برمی‌آید تازه‌واردان با راهنمایی دستور خویش (دستور دیندار) در زمینی خالی از سکنه و در جایی که جنگلی ویران بود، شهری بنا کردند و دستور نام آن را به یاد زادگاه خود، سنجان نامید: مرو را نام سنجان کرد دستور/ به سان ملک ایران گشت معمور (همان). بعد از مدتی مهاجران اجازه ساخت آتشکده را از جادی رانا گرفتند و در آن جا آتش بهرام را برپا کردند. او به آن‌ها زمین مناسب داد. بنابر قصه سنجان مهاجران در سنجان تصمیم گرفتند «آتش بهرام» را با بنای آتشکده‌ای فروزان نگه دارند و چون ابزار لازم و افراد آگاه به این امر را به‌همراه نداشتند، چند نفر را از راه خشکی رهسپار خراسان کردند و هنگام بازگشت فرستادگان، دسته‌ای دیگر از دستوران و به‌دینان به هند مهاجرت کردند.

بر آن آلات کان بود از خراسان/ عمل کردند آن‌جا بی هراسان/ که چندین قوم دستوران و به دین/ از آن‌جا آمدند آن پاک آیین (کیقباد، ۱۳۵۰: ۳۴-۳۵)

بدین ترتیب «آتش بهرام» را به یاد یزدگرد سوم ساسانی در سال ۱۵۹ یزدگردی برپا کردند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۴). قصه به‌شرح پراکنده‌گی پارسیان در اطراف گجرات می‌پردازد و می‌گوید تا سیزده سال بعد مهاجران در شهرهایی

*Kotwal*). این پنج حوزه شامل سنجان، نوساری، گداوره، بروچ، کمبایت بود (روایت داراب هرمزدیار، ج ۲: ۳۴۹). توافق اولیه این بود که در ابتدا خانواده‌های سنجانی؛ یعنی موبدان اهل سنجان آتش را تقدیس کنند (پریستار آتش باشند) و بقیه مراسم وابسته به آن از سوی موبدان اهل نوساری؛ یعنی بهگاریا (یا شرکاء) انجام شود ( *Hodivala*, 1927: 6-8). بنابراین موبدان سنجان به خدمت آتش می‌پرداختند و موبدان نوساری (بهگاریا) سایر مراسم و آداب دینی را به جا می‌آوردند.

در اواخر قرن شانزدهم گجرات از جانب اکبرشاه ضمیمه قلمرو مغولان هندوستان شد و بندر سورات مرکز معتبر و مهمی برای تجارت با غرب گردید. پارسیان برای تجارت و داد و ستد در آن جا گرد آمدند. در سال ۱۵۷۸ اکبرشاه که علاقه فراوانی به درک حقایق ادیان مختلف داشت یکی از موبدان مشهور بهگاریا را که مهرجی‌رانا نامیده می‌شد، برای تشریح مذهب زرتشتی به دربار خود فراخواند (بنا به درخواست اکبرشاه، شاه‌عباس کبیر نیز دستوری از کرمان به دربار او فرستاد) مهرجی رانا در دربار اکبر شاه مورد محبت قرار گرفت و اکبرشاه برخی از مبانی دیانت زرتشتی را در مذهبی که خود به وجود آورد، گنجانید (بار، آسموسن، بویس، ۱۳۴۸: ۱۴۱-۱۴۰). سنت حکایت از این دارد که اکبرشاه تحت تأثیر قرار گرفت و آتش را به‌عنوان سمبل تقدس در دربار خود قرار داد. علاوه بر این، او از تقویم زرتشتی به‌عنوان تقویم رسمی استفاده کرد. برخی از تفسیرهای پارسی ادعا می‌کنند که اکبر به دین زرتشتی گرویده و سدره و کستی را پوشیده است، اما او مذهب تلفیقی داشت و بعید به نظر می‌رسد که او به‌طور جدی زرتشت را پذیرفته باشد (Mirza, 1974: 244). وی جایگاه نوساری را به‌عنوان مرکز اصلی مذهبی پارسیان در قرن شانزدهم تقویت کرد. بعدها اکبر شاه دستور اردشیر نوشیروان از ایران را برای کمک به ساخت واژگان فارسی به هند دعوت کرد.

اکبرشاه برای نشان دادن احترام خود قطعه زمینی در نوساری به مهرجی رانا بخشید و موبدان بهاگاریا نیز برای سپاسگزاری و قدردانی از مهرجی وی را به سمت دستور یا رییس انجمن موبدان برگزیدند و این سمت را در خانواده او موروثی کردند. اولاد و احفاد او تا امروز در این مقام باقی هستند. تا آن تاریخ چنین مقامی در دستگاه دینی زرتشتیان هند سابقه نداشت و ایجاد آن نشانه آن است که

که با قدرت‌گیری ظفرخان از طرف محمدشاه، حاکم دهلی آغاز شده و در حکومت سلطان محمود بیگلره به تثبیت اسلام در گجرات منجر شد (تشکری، ۲۰۲۱: ۱۰۰/۱). به‌نظر می‌رسد پارسیان این دو حمله را در یک روایت تلفیق کرده‌اند. بر این اساس و در مقایسه متون تاریخی با روایات زرتشتی، ذکر نام الغ خان را می‌توان وجه اشتراک آن‌ها دانست. با این تفاوت که الغ خان مذکور سردار نظامی و نه وزیر علاءالدین خلجی است که در سال ۶۷۰ ق اقدام به غارت گجرات کرد. ضمن این‌که فتح قلعه چپانیر نه در این هنگام، بلکه نزدیک به دو سده بعد صورت گرفته است (تشکری، ۲۰۲۱: ۱۰۱/۱).

به هر ترتیب چهارده سال آتش در بانسده ماند تا این‌که به‌دینی به نام چنگاآسا در زمان جشن سده به آتشکده بانسده رفته و با مشورت دستوران و به‌دینان آتش بهرام شاه را به نوساری منتقل کردند (کیقباد، ۱۳۵۰: ۴۴). احتمالاً این اتفاق در سال ۱۵۱۶م بوده و بدین ترتیب تا دو قرن بعد از آن نوساری مرکز مذهبی زرتشتیان هند بود (بار، آسموسن، بویس، ۱۳۴۸: ۱۴۰-۱۴۱). بر طبق داستان دلیل این کار این بود که هر سال دسترسی به بانسده به دلیل باران‌های فراوان سخت بود و ایشان خواهان زیارت هر روزه آتش بودند (کیقباد، ۱۳۵۰: ۴۷).

زمانی‌که آتش از سنجان به نوساری منتقل شد، خانواده‌های موبدان که پریستار آتش بودند نیز به نوساری آمدند (Hodivala, 1927: 6-8). انتخاب نوساری برای سکونت احتمالاً برای بهبود وضعیت اقتصادی ایشان بود. نام نوساری به شهر ساری، مکانی در خراسان نسبت داده می‌شود، جایی‌که مهاجران قرن‌ها قبل از آن‌جا مهاجرت کرده بودند. (Kotwal, 2017: 63). همچنین نام این شهر به شهر ساری در مازندران نیز منتسب است و دلیل نام‌گذاری نوساری را تشابه آب‌وهوایی این دو مکان می‌دانند.

مشکل اختلاف و نزاع میان حوزه‌های تولید دینی همچنان پابرجا ماند تا آن‌که در ۶۵۹ یزدگردی/۱۲۹۰م روی تقسیم گجرات به پنج حوزه دینی یا پنت به توافق رسیدند (تشکری، ۲۰۲۱: ۹۸/۱). روحانیان نوساری بر آن شدند تا انجام آداب و رسوم دینی را میان پنج پل [یا پت] تقسیم و درآمد حاصل از برگزاری مراسم دینی میان ایشان توزیع گردد (آذرگشسب، ۱۳۵۲: ۶۴). اصطلاح *panthak* از سانسکریت گرفته شده است، هم‌آوا با اوستایی *Panta*، به‌معنی «مسیر» است (2017: 65).



بین موبدان بهگاریا و سنجان پیدا شد، سرانجام موبدان سنجان آتش مقدس را به شهر کوچکی به نام اودوادا انتقال دادند که تا امروز این آتش در آن‌جا شعله‌ور است. در سال ۱۷۶۵ موبدان بهگاریا آتشی را تقدیس کرده و آن‌را به نام آتش بهرام برای خود در نوساری برپا داشتند. پس از آن در بمبئی و سورات نیز آتش‌هایی برپا گردید. در همین احوال بمبئی جزء مستعمرات انگلستان درآمد و از قرن هفدهم میلادی پارسیان در آن‌جا گرد آمدند و در توسعه و پیشرفت شهر سهم شایانی داشتند. در طی دو قرن بعد بمبئی با داشتن چندین محل برای عبادت به- صورت بزرگ‌ترین مرکز زرتشتیان جهان درآمد و نوساری و اودوادا به صورت دو مرکز پر قدرت مذهبی باقی ماندند (بار، آسموسن، بویس، ۱۳۴۸: ۱۴۱). در سال ۱۹۱۷م یک ستون یادبود در منطقه باستانی سنجان برپا شد تا خاطره ورود زرتشتیان به هند را تداوم بخشد. پارسی‌های محلی سنجان با جشن گرفتن روز سنجان در ماه نوامبر، ورود ایشان را جشن می‌گیرند.

#### نتیجه‌گیری

بعد از ورود اسلام به ایران گروهی از زرتشتیان مغلوب برای حفظ دین و برای رهایی از آزار و اذیت مسلمانان به هند مهاجرت کردند. بر اساس متون تاریخی، کاوش‌های باستان‌شناسی و پژوهش‌های معاصر می‌توان گفت که احتمالاً مهاجرت اولیه ایشان در اوایل سده‌ی دوم هجری بوده است و این گروه نه در یک دوره، بلکه در دوره‌ها و فواصل زمانی متعدد دست به مهاجرت زدند. شهر کوچک سنجان در هندوستان احتمالاً اولین استقرارگاه ایشان در زمان مهاجرت اولیه آن‌ها بوده است که از ابتدا به ساکن، جنگلی ویران و خالی از سکنه بود. آن‌ها توانستند آتش بهرام را در آن‌جا تقدیس کنند و به دین خود باقی بمانند. بر اساس قصه، نام شهر سنجان، از سنجان ایران گرفته شده است. با این‌که مکان‌های دیگری در ایران با نام سنجان و قهستان (قهستان) وجود دارد، اما با وجود اشاره هم‌زمان سنجان و قهستان در قصه سنجان و قرارگیری سنجان در نزدیکی قهستان خراسان، می‌توان گفت عده‌ای از مهاجران اولیه از قهستان خراسان بوده‌اند و نام شهر سنجان در گجرات، برگرفته از سنجان در خراسان است. بر این اساس نیز می‌توان گفت که مهاجران اولیه زرتشتی در هند از سنجان خراسان بوده‌اند یا دست کم، غالب جمعیت

موبدان بهگاریا در آن موقع از وضع و روش دینی زرتشتیان ایران و موروثی بودن سمت دستوری در خانواده‌های دستوران بزرگی در یزد و کرمان باخبر شده بودند. لقبی که به دستور مهرجی داده شد، وادا دستور یا دستور بزرگی بود که معادل دستیر مس ایرانیان است. پس از آن‌که موبدان بهگاریا دستوری انتخاب کردند، چهار مرکز دینی دیگر نیز به تبعیت از آنان هر یک با همان کیفیت به انتخاب دستوری پرداختند ولی اولویت و امتیاز همواره با دستور نوساری است و انجمن موبدان نوساری (بهگاریا) که انجمن بزرگ نامیده می‌شود نیز از احترامات خاصی به- عنوان ولی و بانی این رسوم بهره‌مند است (بار، آسموسن، بویس، ۱۳۴۸: ۱۴۰-۱۴۱).

پس از این‌که در سال ۱۵۵۸ پرتغالی‌ها مساحتی در حدود هزار مایل مربع در شمال غربی هند را تحت تسلط خود درآوردند، پارسیان تحت حکومت پرتغالی‌ها، به تجارت پرداختند. پرتغالی‌ها در مدت اقامت خود در هندوستان به سنجان *saint John* می‌گفتند. در سال ۱۶۰۰، پرتغالی‌ها به همراه هلندی‌ها و فرانسوی‌ها و در قرن ۱۷ با انگلیسی‌ها، به‌ویژه در سورات؛ بندری با اهمیت روزافزون و محل ملاقات برای بازرگانان و پارسیان به رقابت پرداختند. پارسی‌ها طی این سال‌ها توانستند مناصب مهم اجتماعی همچون دهیاری و مأمور مالیات را به دست آورند. تجارت‌هایی که پارسی‌ها به آن مشغول بودند شامل کشتی‌سازی، بافندگی، عاج، عقیق، سازندگان قفسه می‌شد. تاواریه که در قرن ۱۷ به ایران سفر می‌کند، در این باره می‌نویسد: گبرهای هندوستان اغلب کاسب و صنعتگرند و بیشتر عاج مثبت می‌کنند (تاواریه، ۱۳۳۶: ۴۱۸). ایشان همچنین با ثروتی که به دست آورده بودند، به هم‌کیشان خود در ایران نیز کمک می‌کردند. یاکوب ادوارد پولاک (۱۸۱۸\_۱۸۹۱م) که در دوره قاجار به ایران آمده، در این باره می‌نویسد: پارسیان هند مقدار معتناهی پول برای زرتشتیان ایران می‌فرستند تا بتوانند باج لازم را به حکام بپردازند، زیرا آن‌ها بسیار علاقمندند که بقایای هم‌کیشانان در سرزمین مادری بمانند و آتش مقدس را پاس بدارند و به همین دلیل نگرانند که مبادا این‌ها تمام و کمال به مهاجرت بپردازند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۱).

در قرن هجدهم گجرات مورد حمله و تاخت و تاز مارانا قرار گرفت و از سال ۱۷۳۳ تا ۱۷۳۹ آتش مقدس به نقطه امن و محفوظی در سورات منتقل شد. بر اثر اختلافاتی که

که به خدمت آتش می‌پرداختند و موبدان نوساری (بهگاریا) سایر مراسم و آداب دینی را به جای می‌آوردند. اگرچه شهر سنجان نقش برجسته‌ای در تاریخ اولیه پارسیان داشت، رفته‌رفته با انتقال آتش به نوساری، این شهر مقام برتر مذهبی را کسب کرد و به‌عنوان مرکز مذهبی پارسیان در هند ظاهر و تبدیل به پایگاهی شد که موبدان از آن‌جا به مناطق دیگر با جمعیت‌های پارسی فرستاده می‌شدند. بنابراین شهر سنجان، اولین و مهم‌ترین سکونتگاه زرتشتیان در هند که در سده‌های اولیه ورود مهاجران، مرکز سیاسی و مذهبی زرتشتیان بود، به تدریج در تاریخ ایشان کم‌رنگ و نوساری جایگزین آن شد.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- مکان‌های با نام سنگان در تهران و قزوین و سیستان و بلخ و گیلان نیز وجود دارد.
- ۲- شاعر بهمن پسر کیقباد، پسر دستور هرمزدیار سنجانی و اهل نوساری است.
۳. به معنی دخمه ساخته شده از سوی مادر شوهر و عروس. سازنده‌ی آن زنی پارسی و عروسش بودند.

- 4- <https://www.barpublishing.com/mariners-and-merchants-a-study-of-the-ceramics-from-sanjan-gujarat.html>.
- 5- Kahmbhat
- 6- Behrouch
- 7- Ankleshwar
- 8- Surat

آن‌ها یا حتی موبدان، هیربدان و بزرگان بلندپایه آن‌ها که شهر سنجان در هند را بنیان نهادند، از اهالی سنجان بوده‌اند یا بعد از حمله اعراب به سنجان خراسان پناه برده بودند.

داده‌های باستان‌شناسی حاصل از کاوش‌های سنجان در هند به‌ویژه ظروف ساسانی - اسلامی حضور فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد، همچنین بقایای برج خاموشی یا دخمه که در کاوش‌ها به دست آمده است، حضور زرتشتیان در سنجان را اثبات می‌کند. باستان‌شناسان حضور زرتشتیان در سنجان را از اوایل تا اواسط قرن هشتم میلادی تاریخ-گذاری و استدلال می‌کنند که این قبیل مهاجران در مکانی مستقر شده‌اند که قبلاً در دوره ساسانی، پایگاه مرزی تجارت ایرانیان بوده است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که بر اساس قصه سنجان، جایگاه مذهبی سنجان در تاریخ دوره‌های اولیه ورود مهاجران دارای اهمیت زیادی بوده است. با آن که در هر پنت، موبدان امور داخلی هم‌کیشان خود را اداره می‌کردند، به دلیل وجود آتش وهرام در سنجان، همگی ارتباط معنوی خود را با آن حفظ کرده بودند و سنجان تا زمان حمله مسلمانان به آن‌جا به‌عنوان مرکز دینی ایشان به حیات خود ادامه می‌داد. بعد از حمله مسلمانان به سنجان و انتقال اجباری آتش از سنجان به بانسده نیز، به موبدان و هیربدان سنجانی برای خدمت آتش فراخوان داده می‌شد. حتی در سال‌های بعد و پس از انتقال آتش از بانسده به نوساری، از میان موبدان سنجان و بهگاریا، این موبدان سنجان بودند

### منابع

۱. آذرگشسب، موبد اردشیر، ۱۳۵۲، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، چاپ دوم، تهران، انتشارات فروهر.
۲. ابن اثیر، عز الدین، ۱۴۷۰، تاریخ کامل، ترجمه سید محمد حسین روحانی. انتشارات اساطیر.
۳. ابن حوقل، ۱۳۶۶، ایران در صورالارض، ترجمه جعفر شعار، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۴. ارشاد، فرهنگ، ۱۳۶۵، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
۵. بار، کای. آسموسن، بویس، مری، ۱۳۴۸، دیانت زرتشتی (مجموعه سه مقاله)، ترجمه فریدون وهمن. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
۶. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، ۱۳۳۷، فتوح البلدان، ترجمه: محمد متوکل، تهران، نشر نقره، چاپ اول.
۷. بویس، مری، ۱۳۸۱، زرتشتیان (باورها و آداب دینی)، ترجمه: بهرامی، عسکر، ویراست دوم، تهران، ققنوس.
۸. پوردادود، ابراهیم، ۱۹۶۲، ایرانشاه (تاریخچه مهاجرت زردشتیان به هند)، بمبئی.
۹. پولاک، یاکوب اردوآورد، ۱۳۶۱، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
۱۰. تاواریه، ژان باتیست، ۱۳۳۶، سفرنامه تاواریه، ترجمه ابوتراب نوری، انتشارات سنائی.
۱۱. تشکری، علی‌اکبر، تاریخ اجتماعی زرتشتیان یزد، مرکز ایران‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا، در دست چاپ.

۱۲. جکسن، ابراهام و. ویلیام، ۱۳۵۲، سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
۱۳. چرتی، ج. کارلو، ۱۳۸۱، قصه زردشتیان هندوستان و قصه سنجان، ترجمه زهرا (نیلوفر) باستی، سروش پیر مغان، یادنامه جمشید سروش سروشیان (مجموعه مقالات)، به کوشش کتایون مزدآپور، تهران، ثریا.
۱۴. روایت داراب هرمزديار، جلد دوم، نسخه خطی.
۱۵. شفیلد، دنیل، تولدو، میگل آنخل آندرس، (۱۳۹۸)، راهنمای پژوهش‌های زرتشتی، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
۱۶. شهردان، رشید، ۱۳۶۳، تاریخ زرتشتیان، فرزندگان زرتشتی، چاپ نخست، تهران، سازمان انتشارات فروهر، چاپ اول.
۱۷. صبوری‌فر، فرهاد، ۱۳۹۵، تاریخ روابط پارسیان هند و زرتشتیان ایران، تهران، انتشارات فروهر، چاپ اول.
۱۸. فرای، ریچارد، ۱۳۶۳، عصر زرین فرهنگ ایران، مترجم: رجب‌نیا، مسعود، تهران، سروش، چاپ دوم.
۱۹. کیقباد، بهمن، ۱۳۵۰، قصه سنجان (داستان مهاجرت زرتشتیان ایران به هند ۹۶۹ یزدگردی)، ویراسته: رضی، هاشم، انتشارات فروهر.
۲۰. نصراله‌زاده، سیروس، ۱۳۹۵، کتیبه‌های پهلوی ساسانی در غار کنه‌ری در هند، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، دوره دوازدهم، پاییز و زمستان، شماره ۲۴، ص ۱۰۸-۱۳۹.
21. Hinnells, R. J., 2008, Parsi Communities i. Early History. iranicaonline. Originally Published: July 20, 2008. Last Updated: July 20,.
22. Hinnells, R. J., Williams, A., 2007, Parsis in India and the Diaspora. (Routledge South Asian Religions Series. xiv, 290 pp. London and New York: Routledge.
23. Martin, R. M., and Tallis, J. F., 1851, Ireland. (Full David Rumsey Map Collection Catalog Record. (New York; J. & F. Tallis.
24. Williams, A, 2009, The Zoroastrian Myth of Migration from Iran and Settlement in the Indian diaspora, Text, Translation and Analysis of the 16th century Qesse ye Sanjan, "The Story Sanjan", Leiden-Boston: Brill.
25. Hodivala, Sh. K., 1927, History of Iranshah, Zoroastrian Jashan Committee, Bombay.
26. Mirza. Hormazdyar Dastur Kayoji, 1974, *Outlines of Parsi History*, Bombay, 1974.
27. M. Kotwal, Dastur Firoze, **A Historical Overview of the Parsi Settlement in Navsari and Its Rise as the Bastion of Zoroastrianism**, Digital Archive of Brief notes & Iran Review, Samuel Jordan Center for Persian Studies & Culture University of California, Irvine, No.04.2017.
- 1- 28. Nanji, Rukshana j, Mariners and Merchants: A Study of the Ceramics from Sanjan (Gujarat), Sanjan Reports, 1. [https://en.wikipedia.org/wiki/Sanjan,\\_Gujarat](https://en.wikipedia.org/wiki/Sanjan,_Gujarat) (2020/03/15)
30. <https://www.barpublishing.com/mariners-and-merchants-a-study-of-the-ceramics-from-sanjan-gujarat.html> (2020/03/20).

